

# در پناه هارمونی کلام استاد

هومن ظریف

تصور این که چینش واژگان و جمله‌بندی کلام انسان بدون استفاده از الفبای موسیقی بتواند وجود خارجی داشته باشد، امری است ناممکن. اگرچه هر صدایی در طبیعت، رنگ‌آمیزی موسیقایی دارد، ولی تجربه‌های گوش‌خراش موسیقی‌های امروزی، کار را برای تعریف این هنر بسیار سخت کرده است. چرا که این روزها افکت‌های طبیعی به کمک سازهای الکترونیک، چنان واضح و مشابه اصل اجرا می‌شوند که واقعاً تعریف دقیق از ساختار موسیقی، شهادت عظیمی را می‌طلبد. اما کلام آهنگین انسان اگر نتواند - خودآگاه یا ناخودآگاه - آن توالی موسیقایی که با جنس صدای هر فرد قرابت دارد را بیابد، در هنگام مکالمه و مخصوصاً در زمان سخن‌رانی، به‌وضوح به ارتباط مؤثر با مخاطبان لطمه می‌زند.

اهمیت استخدام لحن موسیقایی تا آن‌جا است که حتی گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی دارای اسامی خاصی هستند که می‌توان برحسب نام آن‌ها، به جغرافیای ایران سفر کرد. بیات عجم، بیات اصفهان، بختباری، شوشتری و بسیاری از این نام‌ها در ردیف دستگاهی موسیقی اصیل یا سنتی ایران، کم و بیش به لهجه مردم همان خطه نزدیک است. بنابراین فراز و فرود کلام انسان در یک خطابه یا سخن‌رانی می‌تواند به‌مثابه یک سمفونی کلامی قلمداد شود. اوج هنرنمایی موسیقی در کالبد کلام، روح هارمونی در اشعار کلاسیک از قبیل قصیده، غزل، قطعه و رباعی است. پس منتقدان موسیقی اگر هم بخواهند در برابر چنین سازمان در هم‌تنیده‌ای، واژه یک‌سیلابی و یک‌هجایی «ته» را بگویند، حداقل یک نت از هفت نت سلفژ موسیقی را به‌کار گرفته‌اند.

## کلام استاد

استاد مرتضی مطهری، دارای شخصیتی چندوجهی و بویاست که بنابر مستندات تاریخی دوران حیاتش، وقایع و روی‌دادهای سیاسی دهه نخست انقلاب، نگذاشت که آرا و نظرات او با منتقدان مقولاتی که او از آن‌ها دفاع می‌کرد، تعامل پیدا کند.

استاد شهید درباره هنر، به‌ویژه موسیقی می‌گوید: «بعضی‌ها تصور کرده‌اند که اسلام از نظر توجه به هنر، خشک، جامد و بی‌عنایت است و به عبارت دیگر ذوقی کش است. این‌ها که چنین ادعا می‌کنند به جهت این است که در اسلام، اولاً روی خوش به موسیقی نشان داده نشد و ثانیاً بهره‌برداری از جنس زن، به‌طور عموم و هنرهای زنانه به‌طور خاص، یعنی رقص و مجسمه‌سازی، منع شده است. ولی به این شکل قضاوت کردن درست نیست...»

ما باید درباره مواردی که اسلام با آن‌ها مبارزه کرد، تأمل کنیم و ببینیم آیا مبارزه اسلام با این زیبایی‌ها از آن جهت است که زیبایی هستند یا از آن جهت است که مقارن با امر دیگری که برخلاف یک استعداد از استعدادهای فردی یا اجتماعی انسانی است؟ به‌علاوه باید ببینیم در غیر این موارد ممنوعه، آیا باز هم با هنر دیگری مبارزه شده است؟ مسأله موسیقی و غنا مسأله مهمی است که البته حدودش نیز چندان روشن نیست. غنا، ضرب‌المثل مسائلی است که فقها و اصولیین به‌عنوان موضوعات مجمل، یعنی موضوعاتی که حدودش مفهوم و مشخص نیست، به‌کار می‌برند. البته قدر مسلمی در غنا هست و آن این است که آوازهایی که موجب خفت عقل می‌شود، یعنی آوازهایی که شهوات را آن‌چنان تهییج می‌کند که عقل به‌طور موقت از حکومت ساقط می‌شود، یعنی همان خاصیتی را دارد که شراب یا قمار داراست، معلوم است که حرمت چنین مواردی، قطعی است. آن‌چه مسلم است این است که اسلام خواسته تا از عقل انسان حفاظت و حراست کند و این قبیل موانع نیز به همین جهت مطرح است.»

## یک نکته

این جمله از استاد که: «موسیقی، ضرب‌المثل مسائلی است که فقها و اصولیین به‌عنوان موضوعات مجمل، یعنی موضوعی که حدودش مفهوم و مشخص نیست، به‌کار می‌برند»، بسیار مهم و

و استدلال معرفی می‌کند و گاهی کتاب «احساس و عشق» و این چنین است که کلام استاد پیرامون محور موسیقی، آن جنان شیدا و سرگشته می‌شود که به زیبایی از قرآن تعریف کم‌نظیری ارائه می‌دهد. شیواتر از این نظر، سخن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در این خصوص است که: «موسیقی اگر انسان را به ابتذال و بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی بکشاند، حرام است. موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوت‌رانی تشویق کند، این نوع موسیقی حرام است. بنابراین مرز موسیقی حرام و موسیقی حلال عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن آن نیست. مرز آن چیزی است که من گفتم و آن «ابتذال» است.»

معروف است که در حسینیه ارشاد و در پناه برنامه‌ریزی‌های استاد

ظریف است. امروزه تیرس حرمت موسیقی بر روی آلات موسیقی و ساز، متمرکز شده است. امری که نمی‌تواند واقعاً منطقی باشد. اگر وسیله‌ای، کاربردش مباح است، چگونه می‌تواند به هیچ عنوان، نمایش شکل و شمایل آن ممنوع باشد. آیا حنجره انسان به‌عنوان نخستین آلت موسیقی جهان خلقت که اتفاقاً کامل‌ترین آن هم است، می‌تواند ممنوع‌التصویر شود؟ نکته دیگر این که موسیقی منتج از آلات موسیقی، در کنار موسیقی کلام عشوّه‌آمیز است که مورد اتهام است. اصلاً کلام آهنگین مبتذل و عشوّه‌ناک با محتوای سخیف می‌تواند مورد حرمت قرار گیرد؟ شان تجربیدی موسیقی به‌خودی خود نمی‌تواند شایسته قرار گرفتن در برابر انگشت اتهام منتقدان ارجمند قرار گیرد. شاید منتقدان موسیقی، بنابر عدم شناخت از موسیقی، انگشت اتهام خود را روی کلام مبتذل و عشوّه‌گرانه قرار داده‌اند و به جای خطاب قراردادن کلام آهنگین، تمامیت موسیقی را هدف قرار داده‌اند؟

استاد شهید در فرازی از سخنانش آورده است: «واقعاً موسیقی، قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای دارد، به‌خصوص در جهت پاره کردن پرده تقوا و عفاف. در مسأله مجسمه‌سازی، منع اسلام به جهت منع بت‌پرستی و مبارزه با آن است. اسلام در مبارزه با این مسأله موافق بود. زیرا اگر مجسمه‌ای از پیامبر<sup>(ص)</sup> و غیره می‌ساختند، بدون شک، امروزه بت‌پرستی خیلی صاف و روشن وجود داشت و مسأله غنا و رقص و غیره هم روشن است که اهتمام اسلام به‌خاطر عفت است. بنابراین از این موارد نمی‌توان استناد به مبارزه اسلام با ذوق، نمود.»

## هارمونی در قرائت

استاد گران‌قدر درباره آن چه که امروزه بیش از پیش در تلاوت‌های قرآن دیده می‌شود، نکاتی را به زبان شیوای خود گفته است که رجوع به این سخنان برای همگان، سرشار از منافع گوناگون است. خوش‌بختانه کسی این روزها نمی‌تواند زیبایی قرائت‌های قاریان مصری را کتمان کند. ملک‌القرای مصر، شیخ مصطفی اسماعیل، چنان اختلاف قرائت‌ها را با مرکب خوانی موسیقی عجین کرده است که قرآن‌دوستان و شنوندگانی که کم و بیش، شمه‌ای از لطایف معنای قرآن را درک کرده‌اند، در هنگام شنیدن این آیات ناخودآگاه گوش به قرآن می‌سپارند تا مگر به‌خاطر گوش سپردن به قرآن، مورد رحمت الهی قرار گیرند.

استاد شهید درباره قرآن و خواندن آن به بهترین الحان موسیقایی گفته است: «موسیقی، روح انسان را به هیجان می‌آورد و او را در دنیای خاصی از احساس فرومی‌برد. البته نوع هیجان‌ها و احساسات ایجادشده بسته به نوع موسیقی، تفاوت می‌کند. ممکن است یک نوع موسیقی با حس دلآوری و سلحشوری سروکار داشته باشد و با همین زبان با انسان گفت‌وگو کند. دیده‌اید در میدان جنگ، مارش و سرود نظامی می‌نوازند و گاهی تأثیر این سرودها و آهنگ‌ها آن قدر قوی است که سربازی را که از ترس دشمن از سنگر بیرون نمی‌آید، وادار می‌کند به‌رغم حملات خصم، بی‌باکانه به پیش رود و با او به نبرد برخیزد. نوع دیگری از موسیقی ممکن است با حس شهوت‌رانی سروکار داشته باشد و انسان را به سستی، خود را رها نمودن و تسلیم پلیدی‌ها شدن، دعوت نماید. دیده شده که تأثیر موسیقی در این جهت بسیار زیاد است و شاید هیچ چیز دیگری نتواند تا این اندازه در از بین بردن دیوارهای عفت و اخلاق مؤثر واقع شود. در مورد سایر گرایش و احساسات نیز آن‌گاه که با زبان این احساسات سخن گفته می‌شود، حالا چه به‌وسیله موسیقی و چه به هر وسیله دیگر، می‌توان آن‌ها را تحت کنترل و نظارت درآورد.»

یکی از متعالی‌ترین گرایش و احساسات هر انسان، حس مذهبی و فطرت خداجویی انسان است و سروکار قرآن با این حس شریف و برتر است. قرآن، خود توصیه می‌کند که او را با آهنگ لطیف و زیبا بخوانند، با همین نوای آسمانی است که قرآن در توصیف خود برای خود دو زبان قائل می‌شود: گاهی خود را کتاب تفکر و منطق



موسیقی اگر انسان را به ابتذال و بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی بکشاند، حرام است. موسیقی اگر انسان را به گناه و شهوت‌رانی تشویق کند، این نوع موسیقی حرام است

مطهری، اتفاقات جالبی رخ داده است. در یکی از برنامه‌هایی که در حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۸ برگزار شد و امام موسی صدر در آن‌جا حضور داشت، اتفاقات قابل تأملی افتاد. در کتاب «هتزار روح» در این باره آمده است: «امام‌موسوی صدر با این که یک فقیه عالم بودند، موسیقی را هم آموختند. ایشان دستگاه‌های موسیقی را می‌شناختند و به یکی از خواهرزاده‌های خود که پدر او موسیقی‌دان بود، حتی توصیه کرده بودند: «سعی کن هفته‌ای یک پرده موسیقی را از پدرت یاد بگیری، در این صورت دریچه‌ای علمی به رویت باز خواهد شد که خود، جهان دیگری است.» ایشان نسبت به برگزاری سرودی در حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۸ خشنود شد و گفت: «بالاخره هنر و موسیقی دارد در پناه امام‌حسین<sup>(ع)</sup> و حسینیه، خود را از چنگال جمود نجات می‌دهد. ان‌شاءالله بوش‌بوش پای از کستر بزرگ به حسینیه‌ها باز شود و هنرهای زیبا در خدمت مذهب قرار گیرند.» امام‌موسوی صدر، موسیقی‌شناس بودند و انواع موسیقی‌ها را درک می‌کردند، به‌قول استاد مرتضی مطهری، امام‌موسوی صدر، پنجاه سال از حوزویان زمان جلوتر بودند. ■

## پی‌نوشت:

در این یادداشت، کلیه نقل قول‌ها از کتابی با نام «هتزار روح» که گردآوری از آثار استاد شهید مرتضی مطهری است، آورده شده است.